

بررسی تطبیقی حضانت طفل از منظر فقه اسلامی و قانون مدنی ایران و قانون مدنی افغانستان

محمدعلی فاضلی

دانش آموخته ای سطح ۴ جامعة المصطفی العالمیه

چکیده

دین اسلام پاسخ‌گوی تمام نیازهای بشری بوده از این رو در ارتباط با مسائل خانواده به عنوان مهم ترین کانون بشری در پیشرفت آن دقت لازم را به انجام رسانده است. آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته حضانت از منظر فقه اسلامی با نگاهی به قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران و قانون مدنی افغانستان است. حضانت در فقه اسلامی به معنی پروراندن و نگهداری طفل است، در عصر حاضر کشورها در حد توان کودکانی را که در اثر انحلال ازدواج و یا وقوع طلاق، بدون سرپرست شده‌اند، در قوانین موضوعه شان مورد حمایت قرار داده‌اند.

دستورات فقهی، محیط خانواده را به عنوان بستر مناسب برای رشد، کودک لازم دانسته و تأکید می‌کند، شخصیت کودک می‌بایست در محیط خانواده یا تحت نظر یکی از والدین پرورش یابد، تلاش نموده تا از فروپاشی این نهاد مقدس جلوگیری به عمل آورد.

مشهور فقهایان امامیه قائل هستند که در اثر انحلال ازدواج و یا وقوع طلاق حق حضانت کودکان تا هفت سال با مادر و پس از آن با پدر و اجداد پدری است، والدین حق ندارد از «حضانت» اطفال خود استتکاف نمایند این معنا در قوانین موضوعه نیز آمده است مذاهب چهار گانه اهل سنت در ارتباط حضانت اطفال تا مدت مورد نیاز کودک با مادر است و پس از آن

نظریات مختلفی را ابزار داشته‌اند. در قانون مدنی ایران نگاهداری طفل، تا دو سال از تاریخ ولادت با مادر است و پس آن به عهد پدر ولی نسبت به اطفال اُنات تا سال هفتم، حضانت با مادر است. قانون مدنی افغانستان پرورش طفل در خلال تفریق اولیت با مادر نسبی است مدت حضانت برای پسر تا هفت سالگی و برای دختر تا نه سالگی تعیین شده است.

واژگان کلیدی: حقوق، حق حضانت، حق و تکلیف.

۱. مقدمه

کانون پر مهر خانواده به عنوان بهترین بستر رشد برای کودک، همواره در فقه اسلامی مورد سفارش قرار داشته است و در جزئی ترین شئون آن در قانون گذاری های خود، مقرراتی را به منظور پایداری و سعادت آن در نظر گرفته است و در قالب کلام با تعبیرهای زیبا در این مورد، والدین را مخاطب ساخته یا آور می شود که کودکان مانند هر انسان دیگری دوست دارند، محبوب واقع شوند و به شخصیت آن ها احترام گذارده شود از این رو، رسول خدا | سفارش می کند: «دوست بدارید کودکان خود را و به آنها ترحم و به وعده خود به آنان وفا کنید.» همچنین می فرماید: «وقتی نام فرزندان را می برید، او را گرامی دارید و جای نشستن را برای وی باز کنید و با او ترش رو نباشید» در این بخش از نوشتار به حقوق فرزندان به که ترتیب اهمیت در گذشته زمان به خصوص در عصر حاضر مورد توجه است حق حضانت و نگهداری اطفال است، حضانت کودکان یکی از مسائل مهم در جامعه بشری محسوب می گردد.

حضانت و پرورش کودکان در ادوار تاریخ به شکلی از اشکال در ادیان و مذاهب مختلف وجود داشته است. هم اکنون در تمام کشورهای پیشرفته و عقب مانده که دارای سیستم های مختلف حقوقی و سیاسی می باشند حضانت و پرورش کودکانی را که در اثر انحلال ازدواج و یا وقوع طلاق، بدون سر پرست می مانند، در قوانین خود پیش بینی نموده اند.

با توجه، به دستورات دینی در این خصوص خانواده را به عنوان جزء اصلی جامعه و محیط طبیعی برای رشد و رفاه تمام اعضای خود خصوصاً کودکان معرفی کرده و تأکید می کند: «کودک برای رشد کامل و متعادل شخصیتی خود می بایست در محیط خانواده و در فضایی مملو از خوشبختی، محبت و تفاهم بزرگ شود». در قوانین موضوعه مجامع بین الملل هم به خوبی به اشاره شده پیمان حقوقی کودکان در (ماده 18، بند 1) پدر و مادر

اولین کسانی هستند که مسئول رشد کامل و پیشرفت کودک می‌باشند.

(ماده 27، بندهای 1 و 2) والدین یا سایر سرپرستان کودک باید در حد توان و امکانات، شرایط زندگی مناسب را برای شکوفایی توانایی‌ها و رشد جسمی، ذهنی، روانی، اخلاقی و اجتماعی کودک فراهم آورند. (ماده 5) حق کودکان است با زندگی در کنار والدین و یا قیم خود، از تکامل توانایی‌های خود برخوردار شوند. (باشگاه خبرنگاران، قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران)

دین اسلام بیشترین تلاش را به خرج داده است تا از فروپاشی این نهاد مقدس جلوگیری نماید، تا آنجا که طلاق و جدایی همسران را مبعوض‌ترین حلال بر شمرده است. اگر کانون گرم خانواده متزلزل گردد، آسیب‌های آن تنها دامن زوجین را نمی‌گیرد، بلکه اصلی‌ترین قربانی آن اطفالی است که آشیانه گرم خود را از دست داده در معرض انواع آفت‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. طبیعی است که هیچ نهاد یا سازمانی نمی‌تواند نقش این نهاد مقدس را برای این اطفال ایفاء نماید، اما اگر این نهاد به هر دلیلی فروپاشید، لازم است تدابیری در نظر گرفته شود که تا حد امکان از آسیب‌های احتمالی نسبت به اطفال و جامعه کاسته شود.

حضانت در لغت و اصطلاح

حضانت کلمه‌ای عربی و در لغت به معنای پروردن است و در اصطلاح عبارت است از نگهداری مادی و معنوی طفل توسط کسانی که قانون مقرر داشته است. (لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۶۸، ش ۱۷۲) زیر بال گرفتن، در برگرفتن، در دامن خود پروراندن و پروراندن (معین، ۱۳۷۱، ص ۱۳۶۰). وجه تسمیه حضانت برای پروراندن و امر نگهداری طفل این است که «الحضن» در لغت عربی، زیر بغل تا تهیگاه یا سینه و فاصله دو بازو را گویند و چون مادر، طفل را در بین بازوان و سینه (آغوش) قرار می‌دهد، گفته می‌شود که حضانت نموده است (لوئیس معلوف، یسوعی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۹).

معنی حضانت در قانون مدنی

قانون ایران با اتکا بر فقه امامیه، قوانین و مقرراتی مربوط به حضانت در حمایت از خانواده مقرر داشته است. حضانت در قانون مدنی ایران به معنای حفظ و مراقبت کردن، پرورش دادن، نگهداری و تنظیم روابط طفل با دنیای خارج است، اگرچه قانون مدنی تعریفی از حضانت ارائه نکرده است، اما به موضوع نگهداری و تربیت طفل در مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مدنی و مواد ۴۰ تا ۴۷ فصل پنجم قانون جدید حمایت خانواده پرداخته شده است. (باشگاه خبر نگاران)

در ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران آمده است: برای نگهداری طفل، مادر تا دو سال از تاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت. پس از انقضای این مدت، حضانت با پدر است مگر نسبت به اطفال اُنات که تا سال هفتم، حضانت آنها با مادر خواهد بود.

و در ماده ۲۳۷ قانون مدنی افغانستان آمده است: مادر نسبی در خلال زوجیت و بعد از تفریق به حفاظت و پرورش طفل حق اولیت دارد. مشروط بر اینکه واجد شرایط اهلیت حضانت باشد. بر اساس ماده ۲۴۹ قانون مدنی افغانستان مدت حضانت پسر با سن «هفت» و از دختر با سن «نه» سالگی تمام خاتمه پیدا می‌کند.

تعریف حضانت

حضانت عبارت است از نگهداری مادی و معنوی طفل توسط کسانی که قانون مقرر داشته است و حضانت مختص ابویین و اقربای طفل است و بین اقربا رعایت طبقات ارث می‌شود و عبارت است از حفظ مادی «جسم» و تربیت اخلاقی و معنوی طفل مناسب شؤون. در قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان ماده ۲۳۶، حضانت را این‌گونه تعریف نموده است: «حضانت عبارت از حفاظت و پرورش طفل است در مدتی که طفل به حفاظت و پرورش زن محتاج باشد.

قانون مدنی ایران در مواد 1168 الی 1179: در تعریف حضانت از دو چیز سخن گفته‌اند: «نگاهداری» و «تربیت» پس حضانت یعنی، سرپرستی برای نگاهداری و تربیت.

فقه‌های امامیه

فقیهان امامیه حضانت را به این صورت تعریف کرده‌اند:

1. صاحب جواهر که حضانت عبارتست از ولایت بر صغیر و مجنون برای سامان بخشیدن تربیت و آنچه که به تأمین مصالح او مربوط است از حفظ و خوابانیدن وی روی رختخواب، بلند کردن و نظافت و شستشوی او و لباس هایش و بالاخره سر مه کشیدن به چشمان طفل، خوراك، پوشاك و سایر اموری که بدان نیازمند است. (نجفی، محمدحسین، ج ۳۰، ص ۳۴۸).

2. شهید ثانی در مسالک می‌فرماید: از حق یا مسئولیت نگهداری یا پرورش دادن هرکسی که نیاز به مراقبت دیگران دارد مانند کودک و مجنون و انجام دادن آن چه برای حفظ و سلامت جسمی و پرورش روحی او، ضروری استو مسئولیت نگهداری تازمان شیرخوارگی بدوش مادر است. (شهید ثانی، زین الدین، مسالک الافهام، ج ۸، ص ۴۲۱).

3. برخی از فقیهان دیگر در تعریف حضانت آورده‌اند: «ولایت و سلطنت بر تربیت کودک و متعلقات آن از قبیل نگهداری کودک، انجام دادن کارهای ضروری او مثل گذاردن او در محل خواب، شستن لباس‌های او و مانند آن. (خوانساری، سید احمد، جامع المدارک، ج ۴، ص ۴۷).

1. مشهور فقیهان امامیه قائل هستند که در اثر انحلال ازدواج و یا وقوع طلاق حق حضانت از فرزند پسر تا دو سال و فرزند دختر تا هفت سال با مادر است و پس از آن با پدر در صورت فوت پدر یا بروز مشکلات دیگری مانند جنون و موارد از این قبیل، حضانت دو باره به مادر منتقل می‌شود و مادر از تمام نزدیکان نسبت به حضانت طفل اولویت دارد گرچه مادر با غیر محارم طفل ازواج کرده باشند، در صورت فقدان پدر و مادر به جد پدری و در صورت نبود آن، کسانی که به ترتیب قرابت و مراتب ارث قرار دارند برعهده آنان

می‌باشد در صورت تعدد و تساوی مانند جد مادری و مادر بزرگ پدری یا مثل عمه و خاله و ایجاد خصومت بین آنها با قرعه به خصومت آنان پایان داده می‌شود. (محمد جواد، مغنیه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۷۸).

2. در مقابل نظر مشهور بزرگان مانند مرحوم شیخ مفید، قاضی و سلار بر این باور هستند که سرپرستی فرزندان در دوران شیر خواری به عهد مادر و پس از آن مسئولیت فرزند پسر به عهده پدر و فرزند دختر تا نه سالگی با مادر است. (نجفی، محمد حسن، ج 31، ص 291).

3. مرحوم محقق نجفی به نقل از شیخ صدوق و ابو علی: مادر تا هنگامی که با کسی ازدواج نکرده است برای نگهداری فرزند دخترش تا زمان بلوغ دختر سزاوارتر است. (نجفی، محمد حسن، ج ۳۱، ص ۲۹۱).

4. برخی نیز بر این باور هستند: که مادر مسئولیت نگهداری فرزند پسر را تا هفت سال و فرزند دختر تا سن بلوغ به عهده دارد. (نجفی، محمد حسن، ج 31، ص 291. و اگر چنانچه فرزند پسر به حد تمیز نرسیده باشد در تحت سرستی مادر باقی می‌ماند. اسکافی، ابن جنید، 1416 هـ ق، ص 263.

5. برخی بر این باور هستند: که مادر می‌تواند مسئولیت نگهداری فرزندان را به عهده بیگرد و شایسته است تا هفت سالگی فرزند دختر و پسر به عهده بیگرد. خویی، سید ابو القاسم 1410 هـ ق ج 2، ص 285.

از آنچه در باره حکم فقهی حضانت کودک گذشت نظر مشهور مناسبت تر است زیرا در این دوران کودک با مادر دلبستگی بیشتری دارد و مادر است که می‌تواند نیازهای روحی، روانی و جسمی کودک را بهتر تأمین نماید برای اثبات این مدعی به احادیثی استناد شده است.

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ * قَالَ: الْحُبْلَى الْمُطَلَّقةُ يَنْفَقُ عَلَيْهَا حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا وَ هِيَ أَحَقُّ بِوَلَدِهَا إِنْ تَرْضَعُهُ بِمَا تَقْبَلُهُ امْرَأَةٌ أُخْرَى إِنْ أَلَّاهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ. (کلینی، کافی، ۱۴۰۷ هـ ق، ج ۶، ص ۱۰۳). زن بارداری که از شوهرش جدا شده است نفقه پرداخت می‌شود تا وضع

حمل نماید او برای شیر دادن کودکش سزاوارتر است در مقابل هزینه ای که در یافت می‌کند.

۲. قَالَ فِي الَّذِي يَطْلُقُ امْرَأَتَهُ وَهِيَ تُرَضِعُ أَنَّهَا أُولَى بِرِضَاعٍ وَلَدِهَا إِنْ أَحَبَّتْ ذَلِكَ وَ تَأْخُذُ الَّذِي تُعْطَى الْمُرْضِعَةَ. (مغربی، دعائم الإسلام ۱۳۸۵، هـ ق، ج ۲، ص ۲۵۶). امام علی ع در باره زن مطلقه که داری کودک شیر خوار است فرمود: او سزاوارتر است به شیر دادن کودکش، اگر تمایل دارد و همان مزدی را می‌گیرد که به دایه داده می‌شود.

حضانة در نگاه فقیهان اهل سنت

فقیهان اهل سنت احکام حضانة را در مبحث نفقات یا رضاع ذکر کرده‌اند، و برخی نیز یا بایی را به آن اختصاص داده‌اند. (محمد حسین، نیشابوری، مصباح الشریعه).

فقه‌های حنفیه: به استناد احادیث، در صورت مرگ مادر یا فقدان صلاحیت او برای حضانة، حضانة کودک به ترتیب قرابت و مراتب ارث برعهده زنان خویشاوند قرار می‌گیرد، یعنی به ترتیب جده مادری، جده پدری، خواهران، دختر خواهران، خاله‌ها، دختر خواهران پدری، دختر برادران، عمه‌ها (در همه موارد، ترتیب ابوینی، مادری و پدری رعایت می‌شود)، خاله‌های مادر، خاله‌های پدر و عمه‌های مادر عهده‌دار حضانة می‌شوند. بعد از خویشاوندان زن نوبت به مردان خویشاوند (به ترتیب مراتب ارث) می‌رسد. همچنین در صورت متعدد بودن افراد دارای صلاحیت در هر مرتبه، به ترتیب، اشخاص صالح‌تر، تواناتر، باتقواتر و سالخورده‌تر برگزیده می‌شوند و در نهایت به عمه‌ها و خاله سپرده می‌شود. (مغنیه، محمد جواد، ۱۳۷، ج ۱، ص ۳۷۷).

مالیکه: حق حضانة با مادر است و پس از آن به عهده ای جد مادری است «وان علت» و پس از آن بترتیب به عهده خاله و عمه مادر طفل، در نهایت به عمه پدر طفل و پس از آن به مادر بزرگ عمه پدر است (مغنیه، محمد جواد، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۷۷).

شافعیه: حضانة کوک به عهده مادر است و پس از آن مادر بزرگ مادری کوک هر چه مراحل آن بالا تر روند با این شرط که آنان در مراتب ارث قرار گرفته باشند. پس از آن نوبت

به پدر و پس از آن مادر بزرگ پدری هر چه سلسه مراتب آن بالا روند بشرط اینکه در مراتب ارث قرار گرفته باشد و در نهایت حضانت طفل به نزدیک ترین خویشاوندان از زنان و پس از آن به نزدیک ترین خویشاوندان از مردان سپرده می‌شوند. (مغنیه، محمد جواد، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۷۸).

حنابله: حضانت به عهده مادر است پس از آن مادر بزرگ مادری و در مرحله بعد به عهده مادرِ مادر بزرگ و پس از آن به عهده پدر خواهد بود، در مرحله بعد به عهده پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری است (مغنیه، محمد جواد، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۷۷).

لزوم حضانت اطفال برای پدر و مادر

به موجب ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، پدر و مادر مجبورند در مدتی که حضانت طفل به عهده آنهاست، حق ندارند از نگهداری او امتناع کنند اما در صورت امتناع، قاضی دادگاه به تقاضای قیم یا آشنایان طفل و حتی اشخاص دیگر با تقاضای دادستان والدین طفل را مجبور به نگهداری او می‌کند؛ اما در صورتی که اجبار آنها به این کار ممکن یا مؤثر نباشد، هزینه حضانت طفل در درجه اول از پدر و جد پدری و سپس از مادر اخذ خواهد شد.

طبق ماده ۲۴۴ قانون مدنی افغانستان: هزینه حضانت به عهده پدر است در صورتی که طفل دارای اموال شخصی باشد از این دارای هزینه می‌شود مگر اینکه پدر تبرعاً بپرآنها دازد. طبق ماده ۲۳۹ قانون مدنی زنانیکه حق حضانت طفل را دارند بترتیب درجه استحقاق عبارت‌اند

۱. مادر، مادر مادر یا بالاتر از آن.

۲. مادر پدر.

۳. خواهر اعیانی^۱.

^۱. خواهر و برادر ابوی

۴. خواهر اخیافی^۲.

۵. خواهر علاتی^۳.

۶. دختر خواهر اعیانی^۴.

۷. دختر خواهر اخیافی.

۸. دختر خواهر علاتی.

۹. خاله اعیانی.

۱۰. خاله اخیافی.

۱۱. خاله علاتی.

۱۲. خاله اعیانی پدر.

۱۳. خاله اخیافی پدر.

۱۴. خاله علاتی پدر.

۱۵. عمه مادر.

۱۶. عمه پدر.

طبق ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی ایران، «هر یک از ابوین که طفل تحت حضانت او نیست، حق ملاقات طفل خود را دارد. تعیین زمان و مکان ملاقات و سیر جزئیات مربوط به آن در صورت اختلاف بین والدین با محکمه است.

تفاوت حق و تکلیف

مشهور فقیهان امامیه حق و حکم را دو امر متفاوت می‌دانند که هم به لحاظ مفهوم و هم به لحاظ آثاری که به لحاظ شرعی بر هریک بار می‌شود. اکثریت فقیهان «حق» را نوعی

^۲. خواهر و برادر امی (خواهرانی که پدر آن هریک و مادر واحدی داشته باشد).

^۳. خواهران ایی (خواهرانی که مادر هریک جدا و پدرشان واحد هستند).

^۴. خواهر و برادر ابوینی.

سلطنت اعتباری می‌دانند که به لحاظ شدت، ضعیف تر از «ملک» است. اما حکم را عبارت می‌دانند از اعتبار شرعی که در وعاء اعتبار از سوی حاکم (شارع یا قانون گذار) بر ذمه مکلف اعتبار می‌گردد و آن اعتبار با لفظ ابراز، یا انشاء می‌گردد. (ایروانی، حاشیه المکاسب، ۱۴۲۶ق، ص، ۲۲؛ ایروانی، حاشیه المکاسب، ۱۴۲۶ق، ج، ۲، ص، ۲۲؛ سید یزدی، حاشیه المکاسب، ۱۴۲۳ق، ج، ۱، ص، ۲۸۸؛ حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج، ۱۴، ص، ۵۵۳؛ روح الله خمینی، البیع، ج، ۱، صص، ۳۹-۴۳؛ محقق النائینی، منیة الطالب، ج، ۱، ص ۱۰۷)

مرحوم خوئی بر خلاف مشهور فقیهان بر آنست که حق و حکم هیچ تفاوتی باهم ندارند، بلکه این احکام است که بر دو قسم است، پاره از احکام را به تناسبی اسمش آن را حق گذاشته‌اند و پاره دیگر را حکم. (خوئی، سید ابو القاسم، مصباح الفقاهه، ج ۲، صص ۴۶- ۴۸). مبنای مرحوم آقای خوئی برای جمع میان «حق و حکم» تعبیر مسامحی است. زیرا ازسوی مشهور فقیهان این مبنا را مردود دانسته شده‌اند و استدلال محکمی هم برای آن وجود ندارد چون کمترین چیزی که می‌شود در رد آن گفت این است که عرف از حق و حکم دو معنای متفاوت می‌فهمند و گاهی حق را منشأ حکم می‌دانند.

فقهایی که حق را مغایر با حکم می‌دانند برای هر کدام آثاری را بار کرده‌اند که آنها را از هم متمایز می‌کند. عمده ترین این آثار سه اثر است: ۱. جواز اسقاط حق ۲. جواز انتقال حق ۳. جواز ارث بردن حق. یک حق زمانی متفاوت از حکم است که حد اقل یکی از این سه اثر را داشته باشد.

حق یا تکلیف بودن حضانت

اگر حضانت حق باشد با توجه به ماهیت «حق» که عبارت از سلطه و اختیاری که حقوق هر کشور به منظور حفظ منافع اشخاص به آنها می‌دهد، در این صورت پدر و مادر در اعمال آن مختارند و می‌توانند قرار داد خصوصی در باره آن منعقد نمایند و در ضمن آن حق خویش را ساقط و یا آن را به دیگری انتقال دهد، ولی اگر حضانت، حکم قانونگذار و تکلیف ناشی از این حکم باشد با توجه به این که حکم عبارت است از اوامر و نواهی و

قانونگذار که یا به طور مستقیم کاری را مباح یا واجب و یا ممنوع می‌دارد در این صورت اولویت والدین در اعمال آن نسبت به دیگران مورد نظر قرار نخواهد گرفت بلکه در زمره احکام با قوانین «امری» قرار می‌گیرد. که حق اسقاط آن را نخواهد داشت.

براساس ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، حضانت اطفال هم حق و هم تکلیف پدر و مادر است. حق است زیرا والدین بیش از هر کس دیگر به طفل نزدیک بوده و لذا در نگهداری آن بر هر شخص دیگری مقدم هستند و کسی نمی‌تواند بدون مجوز قانونی این حق را نادیده انگاشته و به آن تجاوز کند. اما تکلیف است زیرا پدر و مادری که فرزندی را به دنیا آورده‌اند، در قبال آن مسئولیت سنگینی دارند و مکلف به انجام وظایفی هستند که اهم آن حضانت نگهداری، تربیت و به کمال رساندن است (حبیبی تبار، جواد، ۱۳۴، ص ۳۴۱). شافعی‌ها و حنبلی‌ها با استناد به روایات حضانت حق است برای مادر و می‌تواند این حق را از خودش اسقاط نماید کسی هم او را اجبار از اینکار نمی‌تواند (مغنیه، محمد جواد، ج ۱، ص ۳۸۲).

شرایط حضانت

الف: عقل

انجام هر کاری، به ویژه تربیت فرزندان نیاز به برخورداری از عقل دارد، کسی که می‌خواهد مسئولیت نگاهداری و تربیت کودک را به عهده بگیرد باید از سلامت فکری و عقلی برخوردار باشد و گرنه مصالح کودک به خطر می‌افتد و فلسفه حضانت از بین می‌رود، چرا که مجنون قادر به انجام تکلیف خود نیست چه رسد به سرپرستی دیگران. (نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۸۷).

قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان در ماده ۲۳۸ عقل را یکی از شرایط حاضنه می‌داند.

فقهای اهل سنت نیز بر عاقل بودن سرپرست بچه اتفاق نظر دارند. (فصلنامه علمی تخصصی محفل، شماره هفتم)

ب: بلوغ

بلوغ یک از شروط حضانت است. البته با توجه به این که از بلوغ شرایط عامه تکلیف است و در مورد حضانت یک شرط اجماعی است، حضانت نوعی ولایت است و در موردی که حضانت بر عهده پدر یا مادر باشد ذکر این شرط لازم نیست. معنونه مستحق حضانت نیست. خواه دائمی باشد یا ادواری باشد. مگر این که جنون او بسیار نادر باشد. (میرزای قمی، ابوالقاسم، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۵).
قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان در ماده ۲۳۸ تصریح به بالغ بودن، حاضنه دار.

ج: آزاد بودن

شرط دیگر حضانت آزاده بودن کسی که مسئولیت کودکی را به عهده می گیرند باید آزاد زیرا حضانت نوعی ولایت است و برده بر انسان آزاد ولایت ندارد برخی از احادیث نیز وجود نداشتن حق سرپرستی در صورتی که برده باشد تصریح شده است. اگر فرزند آزاد است پس حضانت او با کسی است که حضانت حق او است (میرزای قمی، ابوالقاسم، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۵).
برخی از فقهای اهل سنت بین برده و آزاد بودن حاضن تفاوتی قایل نشده است و بر این قول خود به عموم و اطلاق ادله حضانت تمسک نموده است. (اندلسی، ابن حزم، ج ۱۰، ص ۳۳۰).

د: شایستگی اخلاقی

شایستگی اخلاقی اگر خدای ناخواسته از فرزندان سوءاستفاده کند شایستگی اخلاقی ندارد، زیرا کودک از اخلاق کسی که حضانت او را بر عهده دارد تأثیر می پذیرد و انحطاط اخلاقی حاضن، تربیت کودک را به خطر می اندازد. لزوم این شرط از ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی ایران نیز قابل استنباط است. چنانچه بر اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادر که طفل تحت حضانت او قرار دارد، اگر صحت جسمی یا تربیت اخلاقی طفل در

معرض خطر قرار داشته باشد به موجب مقررات قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران برخی مصادق عدم مواظبت یا عدم انحطاط اخلاقی به شرح ذیل است. 1- اعتیاد زیان آورد به الکل موادّ مخدر و قمار. 2- اشتها به فساد اخلاق و فحشاء. 3- ابتلاء به بیماری های روانی با تشخص پزشکی قانونی. 4- سوء استفاده از طفل یا اجبار او، به ورود در مشاغل ضدّ اخلاقی مانند فساد و فحشاء، و تگدی گریو قاچاق. 5- تکرار ضرب و جرح خارج از حدّ متعارف. (حبیبی تبار، جواد، 1341، ص 342). طبق ماده ۲۴۰ قانون مدنی افغانستان هرگاه اشخاص فاقد شرایط اهلیت حضانت باشند، حق حضانت به عصبات طفل به ترتیب میراث انتقال می نماید.

ه: سلامت جسمانی

عدم ابتلا به بیماری واگیردار، افرادی که دارای بیماری مسری و واگیردار هستند باید قرنطینه شوند چه رسد به این که در ارتباط با دیگران باشند و سرپرستی دیگران را عهده دار شوند (نجفی، محمدحسن، ص، ۲۸۸).

سلامت جسمانی و توانایی برنگهداری کودک یکی دیگر از شرایط حضانت است. که این شرط را میتوان از قانون مدنی ایران ماده ۱۱۷۳ نیز استنباط نمود. یا توانایی عملی نیز حتماً باید وجود داشته باشد. اگر پدری معتاد باشد و فاقد توانایی عملی و سلامت جسمی باشند برای تربیت فرزند باشد حق حضانت از او سلب می شود.

و: عدم ازدواج مادر با شخص دیگر

این شرط در واقع شرط اختصاصی برای مادر حضانت کننده است که فقهاء امامیه با استناد به پاره از احادیث ازدواج کردن مادر کودک را با شخصی جز پدر او، ساقط کننده حق حضانت مادر دانسته اند. اگر مادری ازدواج کند هرچند طفل شیرخوار هم داشته باشد حضانت طفل از او گرفته می شود.

شیخ صدوق & در «مقنع» می گوید: «اذ اطلق الرجل امرأته و بینهما ولد، فالمرأة أحقّ

بالولد مالم تتزوج» یعنی زن حق حضانت دارد نسبت به بچه، مادامی که ازدواج نکرده باشد. (زنجان، سید موسی شبیری، ۱۴۱۹ هـ.ق، ج ۲۵، ص ۷۹۴۸). شیخ طوسی در «خلاف» فرموده: إذا تزوجت الأم سقط حقها من حضانة الولد. اگر شوهر جدید او را طلاق داد دوباره حق حضانت به مادر طفل بر می‌گردد إذا طلقها زوجها عاد حقها من الحضانة (طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۳۲). ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مادر تا زمانی دارای حق حضانت است که شوهری دیگر اختیار نکرده باشد و ازدواج مادر با شخصی غیر از پدر طفل مانع حضانت است. ماده ۲۴۳ «قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان هرگاه حق حضانت به سببی از اسباب قانونی ساقط شود با از بین رفتن سبب مذکور، این حق دوباره اعاده می‌گردد» علمای احناف، شافعیه و حنبله می‌گویند: در صورتی زوجه حق حضانت آن به سبب مثل ازدواج با اجنبی، سفر و فسق ساقط گردد، در صورتی که موانع دوباره رفع گردد حق حضانت عود می‌کنند. (توضیح بر قانون مدنی افغانستان، ۱۳۸۸، ص ۲۷۵).

ز: مسلمان بودن

براساس نظر فقهای امامیه، کافر نمی‌تواند حضانت طفل مسلمان را به عهده بگیرد، واکذار کردن حضانت کودک مسلمان، به کافر از لحاظ ایمان و حمایت اخلاقی برای اوزیان بخش و خطرناک است. این شرط را نیز می‌توان از آیات و روایات استنباط نمود چنان که در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا». (نساء آیه ۱۴۱). خدا هرگز برای کافران راهی [برای تسلط] بر مؤمنان ننهاده است. و نیز حدیثی که می‌فرماید: «الاسلام يعلو ولا يعلى عليه» دلالت بر مسلمان بودن حاضن و یا حاضنه دلالت دارد. هر گاه پدر کافر باشد و مادر مسلمه نیز حضانت مختص مادر است. (میرزای قمی، ابوالقاسم، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۵).

در میان علماء اهل سنت غیر از شافعی ها دیگر مذاهب اهل سنت مسلمان بودن حاضن را شرط نمی‌دانند، البته علماء حنفی در صورتی که حاضن و حاضنه مرتد شوند

موجب سقوط حضانت می شود (مغنیه، محمد جواد، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۷۹).

ه: امین بودن

امین بودن حاضن یا حاضنه از دیگر شرط از شرایط حضانت است. (میرزای قمی، ابوالقاسم، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۵). قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان در ماده ۲۳۸ می نویسد: «زنیکه حضانت طفل را بعهدہ می گیرد باید عاقله، بالغه و امینه بوده که خوف ضیاع طفل نسبت عدم واریسی وی متصور در او نباشد و توان حفاظت و پرورش طفل داشته باشد». که براساس ماده مذکور شرط دیگر از حاضنه، امین بودن، حاضنه است.

ضمانت اجرایی قانون حضانت.

۱. عدم تسلیم طفل (۳ تا ۶ ماه حبس و ۳ میلیون ریال جریمه)
۲. عدم مواظبت موجب سقوط حضانت می شود
۳. ممانعت از استرداد طفل
۴. منع ملاقات، موجب جریمه فرد و سلب حضانت می شود
۵. حضانت بعد از سن بلوغ
۶. زمانی که زن و شوهر از هم طلاق می گیرند، هر کدام قصد انتقام گیری از طرف مقابل را دارند و بچه ها را بازیچه دست قرار می دهند که قانونگذار ضمانت اجرایی آن را بیان کرده است.
۷. اگر والدین که حضانت طفل برعهده اوست از طفل نگهداری نکنند، این امر موجب سقوط حضانت می شود.
۸. استرداد کننده حبس می شود، اگر کسی مانع دادن طفل به مادر شود فرد مانع را حبس می کنند تا عمل استرداد انجام گیرد و پس از استرداد طفل توسط مادر از زندان آزاد می شود.
۹. چنانچه یکی از والدین، دیگری را از ملاقات منع کند. بار اول و دوم جریمه نقدی

می‌شود و برای بار سوم حضانت از وی سلب و به طرف مقابل داده می‌شود.

۱۰. سن بلوغ در دختران ۹ سال است. دختر پس از ۹ سالگی مخیر است تا یکی از والدین را انتخاب کند و به آن کس که خود انتخاب کرده تحویل داده می‌شود.

۱۱. توجه کنید که فساد اخلاقی مادر، مانع ملاقات مادر از طفل نمی‌شود زیرا ملاقات فرزند، حق طبیعی مادر است.

حضانت چه برعهده پدر باشد یا مادر، نفقه برعهده پدر است. حضرت آیه الله زنجانی از علماء معاصر قائل به تفصیل شده می‌فرماید: در صورت عدم طلاق حضانت به عهده پدر است ولی در صورت طلاق حضانت بچه به طور مطلق تا هفت سالگی به عهده مادر است (زنجانی، سید موسی شبیری ۱۴۱۹ ه.ق، ج ۲۵، ص ۷۹۴۸). بنابراین باتوجه به این که خانواده در شکل‌گیری شخصیت فرزندان نقش عمده‌ای را داراست، باید از اعمالی که به شکل‌گیری شخصیت کودک لطمه وارد می‌کند، خودداری شود.

منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)، مواد ۴۳ و ۴۶ سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص حق و مسئولیت حضانت فرزند و لزوم برخورداری از حمایت مالی پدر و حق ملاقات با فرزند در صورت انقضا یا اسقاط دوران حضانت و مسئولیت والدین در مورد ممانعت از بهره‌مندی فرزندان از ملاقات با آنان را پیش‌بینی کرده است. (پایگاه تحلیلی خبری خانواده وزنان)

بر این اساس می‌توان گفت نگه داری کودک در محیط خانواده و نزد پدر و مادر جز در شرایط خاص مانند بیماری، اعتیاد و...، همواره یکی از مهم‌ترین اهداف نظام حقوقی ایران در بعد حمایت از خانواده بوده است.

مدت قانونی حضانت

امامیه

پدر و مادری که در محیط خانه با یکدیگر زندگی می‌کنند نگهداری فرزندان بر عهده هر

دوی آنها است. اما در صورتی که پدر و مادر از یکدیگر جدا زندگی می کنند حضانت چنین فرزندان، چه پسر باشد و چه دختر، تا ۷ سالگی با مادر و پس از آن با پدر است و مشخص نیست حضانت تا چه سنی ادامه دارد.^۵

طبق فتاوی فقها و رویه قضایی مدت حضانت تا بلوغ شرعی است و بعد از این سن انتخاب با خود فرزند می باشد. توضیح اینکه حضانت مخصوص اطفال است و با رسیدن به سن بلوغ (در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری) دادگاه خود را فارغ از رسیدگی در خصوص حضانت دانسته و فرزندان حق انتخاب ادامه زندگی نزد یکی از والدین را خواهند داشت که در هر صورت تأمین مخارج زندگی با پدر خواهد بود. در نتیجه حضانت بعد از بلوغ منتفی است.

اهل سنت

مالکیه: پسران را تا سن بلوغ شرعی و دختر را تا زمان ازدواج، در حضانت مادر می دانند.

حنبلیه: حضانت تا هفت سال چه دختر و چه پسر با مادر است، ولی دختران پس از هفت سالگی مخیر است که با هر کدام از پدر یا مادر زندگی کند.

شافعیه: سن خاصی را ملاک حضانت ندانسته اند، بلکه پایان آن را ممیز شدن طفل می دانند و برآنند که در این هنگام، خود حق انتخاب دارد که نزد کدام یک از والدین به سر برد.

^۵. برای تحقیق بیشتر رک- شیخ در «خلاف» و «مبسوط»، مرحوم کیدری در «اصباح»، ابن براج در «مذهب»، صاحب مدارک در «نهاية المرام» و مرحوم سبزواری در «کفایة» می گویند: تا هفت سال حضانت بچه- چه پسر و چه دختر- به عهده مادر است و پس از آن به عهده پدر می شود. رک- کتاب نکاح فقه استدلالی، زنجانی، سید موسی شبیری، قم- ایران، نشر مؤسسه پژوهشی رای پرداز تاریخ نشر، ۱۴۱۹ هـ.ق، نوبت چاپ: اول، ج ۲۵، ص ۷۹۴۸.

حنیفه: حضانت پسران تا هفت سالگی و دختران تا نه سالگی را مادر به عهد دارد.
(مغنیه، محمدجواد، ۱۳۷۷، ص ۳۸۰).

اجرت حضانت

در زمینه اجرت حضانت بین فقها نظرات متفاوتی وجود دارد. عده‌ای از فقها بر این عقیده‌اند که حضانت و نگهداری طفل اجرت ندارد چرا که پدر و مادر به تکلیف قانونی خویش عمل می‌کنند. صاحب جواهر می‌گوید: لا تستحق علیه الأجرة. (نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۸۴).. ولی گروه دیگری عقیده دارند چون عمل انسان محترم است و هر عمل محترمی اجرت دارد، مادر نیز می‌تواند برای انجام امر حضانت اجرت مطالبه کند. قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان نیز حاضن را مستحق اجرت حضانت می‌داند و در ماده ۲۴۴ بیان می‌دارد: «اجرت حضانت غیر از اجرت رضاع و نفقه بوده و پدر طفل به پرداخت آن مکلف می‌باشد. در صورتی که طفل اموال و دارایی شخصی باشد، این اجرت از دارایی وی پرداخته می‌شود. مگر این که پدر تبرعاً آن را بپردازد. در این ماده قانونی به چند نکته اشاره شده است.

✓ برای حضانت اجرت قایل شده و آنرا غیر از اجرت شیر دادن طفل و نفقه می‌داند.

✓ پدر کودک مکلف به پرداخت اجرت حضانت است.

✓ اگر طفل دارای اموال و دارایی شخصی باشد در این صورت اجرت حضانت از دارایی طفل پرداخته می‌شود. البته در این صورت پدر می‌تواند از دارایی خویش به صورت تبرعی اجرت حضانت را بپردازد.

پس بر اساس قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان در این ماده به صراحت برای حضانت اجرت در نظر گرفته و شخص حاضن را مستحق دریافت آن می‌داند. و پدر طفل مکلف به پرداخت اجرت حضانت می‌داند.

بر اساس بند اول ماده ۲۴۵ قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان مادر تا هنگامی که

زوجه ی پدر طفل باشد و یا در عدت طلاق رجعی قرار داشته باشد چون از نفقه ی نکاح و یا از نفقه عدت استفاده می کند مستحق اجرت حضانت نیست و نمی تواند اجرت حضانت را مطالبه نماید.

بند دوم این ماده قانونی آمده است: «در صورتی که در عده طلاق باین بوده یا با شخصی که محرم طفل است ازدواج کرده و یا معتده او باشد، مستحق اجرت حضانت می گردد» پس در صورتی که مادر طفل در دوره عده طلاق باین باشد و یا با یکی از محارم طفل مثل عمو وی ازدواج نماید و یا معتده او باشد، از اجرت حضانت طفل برخوردار می گردد.

بر اساس ماده ۲۴۶ قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان هرگاه شخصی که مکلف به پرداخت اجرت حضانت است، معسر گردد به طوری که قادر به پرداخت اجرت حضانت نباشد و یکی از محارم طفل، حضانت او را به صورت تبرعی برعهده گرفته باشد در این صورت محرم طفل مخیر است که به صورت تبرعی حضانت را ادامه دهد و یا حضانت طفل را به شخص متبرع دیگری واگذار نماید، که البته این کار از طریق محکمه صورت می گیرد.

در ماده ۲۴۷ قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان ذکر شده است در صورتی که شخص مکلف به اجرت حضانت، معسر باشد ولی خود طفل، دارایی و ثروت داشته باشد در این صورت طفل در مقابل اجرت المثل به مادر تسلیم می گردد. حتی اگر اجرت حضانت از داری طفل پرداخت گردد.

براساس ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران: نفقه اولاد بر عهده پدر و مادر است پس از فوت پدر یا عدم قدرت او بر نفاق بعهدہ اجداد پدری است، با رعایت الاقرب فالاقرب. در صورت نبودن اجداد پدری یا عدم قدرت آنها بر نفقه بعهدہ مادر است...

ولی به موجب ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران: هزینه حضانت به عهده پدر و در صورت فوت او با مادر است. و این به سایرین نمی رسد. بنا بر این هزینه نگهداری کودک چهره خاصی از اقارب است که همراه با احکام ویژه ای شده و موضوع آن گسترش یا

فته است و این تعهد را تنها پدر و مادر به گردن دارد. این نکته را نیز باید افزود که پدر یا مادری که نگهداری طفل به عهده اوست نمی تواند از بابت خدماتی که در اجرای تکلیف خود انجام می دهد از دیگری دستمزد بخواهد آنچه گفته شد در باهر هزینه های دیگری است. پس تکلیف پرداخت هزینه های نگهداری کودک در صورتی ایجاد می شود که او از نظر مالی نیاز به آن داشته باشد، بطور معمول، کودک ثروتی ندارد که او را از کمک پدر و مادر بی نیاز سازد ولی هرگاه چنین نباشد، مخارج لازم از اموال او پرداخته می شود و پدر مادر به پرداختن هزینه های اضافی اجبار نمی شود. (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۸، ص ۱۴۸).

اعراض از حق حضانت

آیا دارنده حق حضانت می تواند از آن اعراض کند یا خیر؟ با توجه به ماده ۹۵۹ ق. ایران که مقرر داشته: «هیچ کس نمی تواند به طور کلی حق تمتع و یا حق اجرای تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند» و ماده ۹۶۰ قانون مذکور که «هیچ کس نمی تواند از خود سلب حریت و یا در حدودی که مخالف قوانین و اخلاق حسنه باشد از استفاده حریت خود صرف نظر کند».

برای والدین حق اعراض از «حق حضانت» امکان پذیر نیست و ماده ۱۱۷۲ نیز همین معنا را صریحاً بیان کرده که «هیچ يك از ابوين حق ندارند در مدتی که حضانت طفل بر عهده آنهاست از نگهداری او امتناع کنند زیرا این تنها حق سرپرست نیست بلکه امتیازی است در زمره تکالیف (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۸، ص ۱۵۹).

نتیجه

اسلام در ارتباط با مسائل خانواده به عنوان مهم ترین کانون بشری در پیشرفت و تعالی آن تلاش نمود است، محیط خانواده را بستر مناسب برای رشد، رفاه و شکوفاسازی استعداد کودکان لازم دانسته و تأکید می کند، شخصیت کودک در محیط خانواده و در فضایی محبت

و تفاهم بزرگ شود و تلاش دارد از فروپاشی این نهاد مقدس جلوگیری به عمل آید. قانون مدنی ایران با اتکا بر فقه امامیه، بر این امر تأکید دارد و قانون مدنی افغانستان نیز مقرراتی را مربوط به حضانت طفل در محیط از خانواده مقرر داشته است.

مشهور فقهایان امامیه قائل هستند که در اثر انحلال ازدواج و یا وقوع طلاق حق حضانت کودکان تا هفت سال با مادر و پس از آن با پدر و اجداد پدری شان است، مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز درار تباط با حضانت اطفال تا مدت مورد نیاز با مادر است، و پس از آن نظریات والدین حق ندارد از «حضانت» اطفال خود استنکاف نمایند این معنا در قوانین موضوعه نیز بیان شده که «هیچ يك از ابوین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل بر عهده آنهاست از نگاهداری او امتناع کنند. مختلفی را ابزار داشته‌اند. والدین حق ندارد از «حضانت» اطفال خود استنکاف نمایند این معنا در قوانین موضوعه نیز بیان شده که «هیچ يك از ابوین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل بر عهده آنهاست از نگاهداری او امتناع کنند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

۱. احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
۲. اسکافی، ابن جنید، محمد بن احمد کاتب بغدادی، مجموعة فتاوی ابن جنید، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۳. اندلسی، ابن حزم المحلی، بی تا بی نا.
۴. بیهقی نیشابوری کیدری، محمد بن حسین، اصباح الشیعة بمصباح الشریعة، چاپ ابراهیم بهادری، قم ۱۴۱۶.
۵. پایگاه تحلیلی خبری خانواده وزنان.
۶. توضیحی بر قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان (حقوق فامیل) کابل، نشر سعید، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۷. جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، خوانساری، سید احمد بن یوسف، محقق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۸. حبیبی تبار، جواد، گام به گام با حقوق خانواده، قم نشر گام به گام، ۱۳۴۱.
۹. حقوق مدنی، ش ۱۹۵.
۱۰. حکیم طباطبایی، سید محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم، مؤسسه دارالتفسیر، چاپ اول ۱۴۱۶ هـ.ق.
۱۱. خمینی، روح الله موسوی، کتاب البیع تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، چاپ اول ۱۴۲۱ هـ.ق.
۱۲. خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهة، بی تا، بی نا.
۱۳. —، منهاج الصالحین، قم، نشر مدینه العلم، قم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۱۴. شبیری زنجانی، کتاب نکاح فقه استدلالی، سید موسی، قم، نشر مؤسسه پژوهشی رای پرداز نشر، ۱۴۱۹ هـ.ق، نوبت چاپ: اول.
۱۵. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الخلاف فقه الاستدلالی تطبیقی، تحقیق: علی خراسانی، سید جواد شهرستانی، مهدی طه نجف، مجتبی عراقی قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه

- مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ه.ق.
۱۶. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۷. فرهنگ معین، ج ۱، ۱۳۶۰.
۱۸. فصلنامه علمی تخصصی محفل شماره هفتم مقاله: بررسی حق حضانت در فقه امامیه، اهل سنت و قانون ایران.
۱۹. قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان.
۲۰. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.
۲۱. کا تویان، ناصر حقوق مدنی خانواده، تهران، چاپخانه بهمن، ۱۳۷۸، ج ۲.
۲۲. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی ط - الإسلامية، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ه.ق
۲۳. لویسمعلوف، یسوعی، المنجد ۱۳۷۴. بی نا
۲۴. مغربی، ابو حنیفه، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ه.ق، ج ۲، ص ۲۵۶.
۲۵. مغنیه، محمدجواد، الفقه على المذاهب الخمسه، (الجعفری، الحنفی، المالکی، الشافعی، الحنبلی) چاپ پنجم، طهران، مؤسسه نشر صادق، ۱۳۷۷.
۲۶. میرزای قمی، ابو القاسم بن محمد حسن، جامع الشتات فی أجوبة السؤالات، محقق مصحح: مرتضی رضوی، تهران- ایران نشر، مؤسسه کیهان، چاپ اول ۱۴۱۳، ج ۴.
۲۷. نائینی، میرزا محمد حسین غروی، منية الطالب فی حاشية المكاسب، تهران، المكتبة المحمدية، چاپ اول ۱۳۷۳ ه.ق.
۲۸. نجفی ابروانی، علی بن عبد الحسین، حاشية المكاسب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ اول ۱۴۰۶.
- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی بیروت - لبنان، نشر: دار إحياء التراث العربی چاپ، هفتم، ۱۴۰۴.